



تحلیلی بر اصول اساسی حاکم بر ضمانتنامه‌های عندالمطالبه در حقوق تجارت بین‌الملل با نگاهی به لایحه تجارت
همایون مافی، مهدی فلاح خاریکی
تابعیت مضاعف در حقوق ایران و انگلستان
رضا حسین گندم کار، حسام الدین ترکمن، شهرزاد دربندی
شرایط پرداخت نفقه و ضمانت‌های حقوقی و کیفری استتکاف از پرداخت نفقه در فرانسه و ترکیه
آرش کامرانلو، سبحان طیبی
مسئولیت مدنی دولت در قبال اطلاع دادرسی
ابوالفتح خالقی، فاطمه خدابنده
تحلیل حقوقی شرط دوره توقف در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی
مجتبی اصغریان، محدثه احمدآبادی، محمدرضا افشاری
نقش قوه قضاییه در پیوند امنیت قضایی و امنیت اقتصادی
محمود حبیبی تبار، امیر اسماعیلی
اصل عدم قطع؛ اصلی بنیادین در تحدید حدود مناطق دریایی
محسن بهجتی
جستاری در توجیهات فایده‌گرایانه معاصر از مجازات؛ از بازدارندگی عام تا پیشگیری عام
محمدمهدی صادقی
اجرای تعهدات متوفی در حقوق ایران و فرانسه
یونس باقری
اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشوئی و طلاق در حقوق ایران باستان
محمدمهدی داور، سعیده تسلیمی
بررسی انتقادی صلاحیت اضافی محاکم کیفری اختصاصی در مواجهه با همکاری مجرمانه
سیدمحمد خضری
شرایط ناعادلانه در مقررات قراردادهای مصرف کننده ۱۹۹۹ میلادی انگلستان
امیرمحمد ماهرخ
تحلیلی بر جایگاه اجازه نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران
محمد خورشیدی اطره
جستاری در علل ظهور عمل گرایي در سیاست کیفری جرائم اقتصادی
رستم علی اکبری، آرزو چراغی، ارسلان مرادی
حق خروج از کشور طفل توسط مادر چالشی در رویه قضایی ایران (با تأکید بر دادنامه صادره شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)
محمدسعید حسینی، شایسته صالحی، ناهید قاسمی، محسن مهدیزاده
مسئولیت مدنی تورهای زیارتی در برابر خسارات وارده به زائران
علیرضا شمشیری، پریرضا رضوان
جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا
وحید کیومرثی، مسعود مصطفی‌پور
تحلیل فقهی و حقوقی مسئولیت مأموران آتش نشانی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
مجید کیانی‌راد
مسیرهای پر چالش پیش روی آینده حقوق هوش مصنوعی
بهرخ گنجی، محمد غریب شاه
آثار بیع خیاری در حقوق ایران و فرانسه
اردشیر امجدی گلپایگانی
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی ایران: آسیب‌شناسی و راهکارهای بهبود در دو حوزه کنشی و واکنشی
سیدبهمن اکبری
ضرورت های قرارداد در حقوق تجارت الکترونیک ایران
محسن فلاح، خاطره دروگر لیچاهی
تحلیلی بر سیاست کیفری حبس گرای سخت گیرانه و سهل گیرانه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری
حقوق بشر، پراگماتیسم و محدودیت های نظریه اخلاقی: مروری بر حقوق بشر به مثابه سیاست و بتوارگی
سهیل کلچین



Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشویی و طلاق در حقوق ایران باستان

Mohamad Mahdi Davar

Master of Philosophy Student, Memorial University of Newfoundland, St. John's, Newfoundland and Labrador, Labrador, Canada (Corresponding Author)

Saeideh Taslimi

Master's student in family law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

محمد مهدی داور

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه، دانشگاه مموریال نیوفاندلند، سنت جونز، نیوفاندلند و لابرادور، کانادا (نویسنده مسئول)

mmdavar@mun.ca

<http://orcid.org/0009-0002-1379-4765>

سعیده تسلیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

sadietaslimi@yahoo.com

Abstract

Marriage and divorce are among the issues that have received attention in Ancient Iranian law, and the reason for this is that the issue of marriage has been of special importance in Zoroastrianism. In doing so, Ancient Iranian law, which is based on this tradition, has paid special attention to this issue. Further, the issue of a woman's ownership of her property and what she gets from her husband during marriage, as well as her ownership of property after divorce, is one of the branches of these two issues. The basic question of the study is whether women have authority in the topics of marriage and divorce, as well as the property or not? To answer this question, we have first examined two introductions (equal rights of men and women and free will) and after explaining these two concepts in the Zoroastrianism and the Ancient Iranian Law, we have explained marriage and divorce in the tradition of Ancient Iran. Last but not least, the issue of women's ownership during marriage and after divorce has been investigated.

Keywords: Free Will, Marriage, Divorce, Ownership, Ancient Iranian Law.

چکیده

دو مبحث زناشویی و طلاق از جمله مباحثی هستند که در حقوق ایران باستان مورد توجه قرار گرفته‌اند و دلیل آن نیز این است که بحث از زناشویی در آیین مزدیسنا از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و به همین دلیل نیز حقوق ایران باستان که بر اساس این آیین تنظیم شده است به این بحث توجه خاصی داشته است. افزون بر این، مبحث مالکیت زن بر اموال خود و آن چه را که از شوهر در حین زناشویی می‌گیرد و همچنین مالکیت او بر اموال پس از طلاق نیز از فروعات این دو مبحث است. پرسش اساسی این پژوهش این است که آیا زنان در مقوله زناشویی و طلاق و همچنین فرع مالکیت دارای اختیار هستند یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا دو مقدمه را بررسی کرده‌ایم (برابری حقوق زن و مرد و اختیار) و پس از تبیین این دو مفهوم در آیین مزدیسنا و حقوق ایران باستان به تبیین زناشویی و طلاق در سنت ایران باستان پرداخته‌ایم. در نهایت نیز بحث مالکیت زنان در طول مدت زناشویی و پس از طلاق بررسی شده است.

واژگان کلیدی: اختیار، زناشویی، طلاق، مالکیت، حقوق ایران باستان.

Received: 2024/11/08 - Review: 2025/02/01 - Accepted: 2025/02/26

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

ارجاع:

داور، محمدمهدی؛ تسلیمی، سعیده؛ (۱۴۰۳)، اصالت اختیار زنان در رابطه با زناشویی و طلاق در حقوق ایران باستان، تمدن حقوقی، شماره ۲۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

با تأمل در منابع زرتشتی و همچنین منابع تاریخی مربوط به ایران باستان می‌توان به وجود یک نظام منسجم حقوقی اذعان کرد. البته ذکر این نکته نیز دارای اهمیت است که منابع مستقل حقوقی نیز از آن روزگار مانند ماتیگان هزاردستان باقی مانده است. به همین علت وجود یک نظام حقوقی در ایران باستان و یک نظام فقهی در آیین زرتشتی به‌خوبی برای ما روشن است. از سوی دیگر، با کنار هم نهادن آراء حقوقی ایران باستان به این مهم خواهیم رسید که مفاهیمی مانند فلسفه حقوق، حقوق اساسی، حقوق مدنی و همچنین حقوق خانواده نیز در نظام حقوقی ایران باستان وجود داشته است.

پس از این ادعا مبنی بر وجود مفاهیمی مانند حقوق اساسی، حقوق مدنی و حقوق خانواده جای این پرسش به وجود می‌آید که زن در این نظام حقوقی چه جایگاهی دارد؟ آیا حقوق زن مانند مرد است و یا دارای تفاوت بسیار است؟ شرایط زن در رابطه با زناشویی چگونه است؟ آیا زن دارای حق اختیار است یا خیر؟ وضعیت زن در رابطه با طلاق چگونه است؟ همچنین سؤال دیگر این است که وضعیت مالکیت وی پس از ازدواج و پس از طلاق چگونه است؟ بنابراین، آن چه که در این پژوهش بررسی خواهد شد همگی در راستای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده است.

برای پاسخ به این پرسش‌ها ما براساس منابع کتابخانه‌ای از منابع تاریخی و مذهبی مربوط به دین زرتشت و همچنین کتاب ماتیکان هزاردادستان استفاده خواهیم کرد و از هر کدام از آن‌ها شواهد لازم را خواهیم آورد و پس از ذکر آن شواهد به توصیف و تبیین شواهد خواهیم پرداخت. پس از آن به تحلیل شواهد می‌پردازیم و پاسخ و نظر نهایی را ارائه خواهیم داد. از سوی دیگر، سه محور در پژوهش ما وجود دارد. محور نخست بحث از ازدواج و زناشویی است و محور دوم و محور سوم به ترتیب بحث از طلاق و بحث از مالکیت امور مربوط به زناشویی و وضعیت اموال وی پس از طلاق برای زن در حقوق ایران باستان است. پرسش اساسی ما نیز این است که آیا زنان در حقوق ایران باستان از حق اختیار در این سه مقوله برخوردار بوده‌اند یا خیر؟

در رابطه با پیشینه این پژوهش نیز باید چنین ادعا کنیم که بحث از حقوق زنان و همچنین مسائل مربوط به زناشویی در ایران باستان از جمله اموری نبوده است که توسط پژوهشگران مغفول مانده باشد. بلکه پژوهش‌های متعددی از جوانب مختلف به این مباحث پرداخته‌اند که خود این مطلب دال بر اهمیت این مبحث است. بنابراین، ذکر پیشینه پژوهش در این زمینه به دقت نوشتار حاضر می‌افزاید.

بارتلمه (۱۳۳۷) مختصری با عنوان «زن در حقوق ساسانی» منتشر ساخته است که با وجود اختصار و اجمال آن به مطالب بنیادینی اشاره ساخته است و همواره مورد ارجاع پژوهشگران بوده است. کاوس کاتراک (۱۳۴۲) پژوهشی مستقلی در رابطه با زناشویی با عنوان «زناشویی در ایران باستان» منتشر ساخته است. بختورتاش (۱۳۵۰) در کتاب «تاریخ امپراطوری هخامنشی» فصلی از کتاب خود را به بحث زن در جامعه باستانی ایران اختصاص داده است. کتابی با عنوان «حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران» (۱۳۶۹) توسط دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر شده است که متشکل از مجموعه نوشتارهای پژوهشگران و اندیشمندان مختلف در این حوزه است. مزدپور (۱۳۷۱) در کتاب «زن در آئین زرتشتی» به مسائل مختلف زنان در مزدیسنا پرداخته است و مباحث مربوط به ازدواج و زناشویی نیز در این کتاب یافت می‌شود. علوی (۱۳۷۷) کتابی با عنوان «زن در ایران باستان» تألیف کرده است که بخشی از آن در رابطه با زناشویی است. حجازی (۱۳۸۵) در کتاب «جایگاه زن در ایران باستان» نیز درباره مسائل و مباحث مختلف مربوط به زنان در ایران باستان بحث کرده است. وثوق‌بنایی (۱۳۹۶) کتابی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی

حقوق زن در دوره ساسانی» به طبع رسانده است. دهقانی زاده و علی جعفری (۱۳۹۸) کتابی با عنوان «زن، ازدواج و خانواده در دین مزدایی» منتشر ساخته‌اند.

در این رابطه مقاله‌های مختلفی نیز توسط پژوهشگران به تألیف رسیده است. به‌عنوان مثال، لطیفی (۱۳۸۷) مقاله‌ای با عنوان «جایگاه زن و احکام ازدواج در دین مزدایی» منتشر ساخته است. سنجری (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «نقش زن در ادبیات کهن و اسطوره‌های ایرانی» دارد. بیوک زاده (۱۳۹۰) نیز مقاله‌ای با عنوان «مباحث حقوقی زن در ایران باستان (با اشاره‌هایی بر زن در شاهنامه)» منتشر کرده است. قائم مقام فراهانی (۱۳۹۲) پژوهشی در قالب مقاله با عنوان «موقعیت زنان در دین زرتشتی بر اساس کتب فقهی و حقوقی» به طبع رسانده است. غضنفری و همکاران (۱۳۹۵) در یک بررسی تطبیقی درباره شرایط ازدواج در دین زرتشتی و اسلام پرداخته‌اند.

۱- برابری حقوق زنان با مردان

پیش از آن‌که زناشویی، طلاق و مالکیت زنان در حقوق ایران باستان مورد بررسی قرار گیرد باید دانست که آیا این سه مقوله بر پایه برابری حقوق هر دو جنس استوار شده است یا خیر؟ به عبارت دیگر مبحث برابری یکی از مقدمات این سه مقوله خواهد بود. به‌صورت کلی باید گفت که مفهوم اساسی برابری به‌عنوان یک حق طبیعی در آیین مزدیسنا که آیین و فرهنگ ایران باستان بوده وجود داشته است. در حقیقت، اختلاف میان سیاه، سفید، سرخ و زرد در این آیین بی‌اعتبار است (بختورتاش، ۱۳۵۰، ۱۷). در رابطه با بحث برابری میان زنان و مردان نیز باید قبول کرد که اختلاف و تفاوت میان این دو جنس صرفاً در مسائل زیستی است و از نظر روح، وجدان و بالتبع مسائل حقوقی نباید میان آن‌ها اختلافی باشد. زیرا که اساس فرهنگ ایران باستان بر برابری استوار بوده است. در بند نهم از هات شانزدهم چنین بیان شده است که «همه مردان نیک را می‌ستاییم. همه زنان نیک را می‌ستاییم» (دوستخواه، ۱۴۰۲، ۱۶۷). همچنین در بند چهارم از هات بیست و ششم نیز چنین بیان شده است «... مردان و زنان آشونی را که انگیزه پیروزی آشه بوده‌اند را می‌ستاییم». (دوستخواه، ۱۴۰۲، ۱۸۹). بنابراین، به‌خوبی دریافته می‌شود که در یسنا همه مردان و زنان به یکسان ستایش شده‌اند و ملاک ستایش نه‌تنها که جنسیت نیست بلکه نیک بودن و داشتن انگیزه پیروزی آشه برای آن‌ها است.

باید خاطر نشان کرد که نام زن و نام مرد در اوستا در امور مختلف با یکدیگر بیان شده است. همچنین، از شش امشاسپندان سه امشاسپند مذکر هستند و سه امشاسپند مؤنث و این خود دلالت بر برابری حقوق میان آن‌ها می‌کند (علوی، ۱۳۷۷، ۱۵). قابل ذکر است که در میان فرشتگان نیز هم فرشتگان مذکر وجود دارد و هم فرشتگان مؤنث. به عنوان مثال، دثنا به معنای وجدان و دین^۱ و چیستا نیز به معنای دانایی^۲ مؤنث هستند (وئوق بنایی، ۱۳۹۶، ۱۶). ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که میترا نیز بی‌جنس بوده است و این نیز دال بر برابری جنسیتی است (وئوق بنایی، ۱۳۹۶، ۲۷). افزون بر این مطلب، مرد و زن به عنوان شاگردان زرتشت خطاب شده‌اند و مرد نیک و زن نیک قابلیت دستور بودن در آیین زرتشت را دارا هستند (مزدپور، ۱۳۷۱، ۱۴).

در همین مورد ذکر شده است که مطالعه و تحصیل علم حقوق در میان زنان امری عادی بوده است (بارتلمه، ۱۳۳۷، ۴۴). شهرزادی در مقدمه ماتیکان هزاردادستان به بحث میان چند زن حقوقدان با یک قاضی اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در آن زمان زنان حق انتخاب رشته حقوق و اشتغال به شغل قضاوت را داشته‌اند (شهرزادی، ۱۳۸۶، ۵۷). علوی نیز در کتاب «زن در ایران باستان» به این مورد اشاره کرده است و همچنین به استناد از کتاب «دینکرد» نیز چنین گفته است که شغل قضاوت برای بانوان وجود داشته است و زن‌هایی که تحصیلات حقوقی داشته‌اند، بر موبدانی که این تحصیلات را نداشته‌اند مقدم بوده‌اند. در قطعه دوم هات چه و یکم نیز بیان شده است مرد و زن آن چه را که می‌دانند نیک است انجام دهند و دیگران را نیز از آن آگاه نمایند. این مطلب نیز اشاره به این دارد که هم زنان و هم مردان باید اجتهاد علمی داشته باشند و بتوانند معرفت را به دیگران نیز آموزش دهند. به همین خاطر است که زرتشت به پیروان خود می‌گوید که شرایط یادگیری را برای همه^۳ فراهم سازند و طبق این رأی زن و مرد هر دو دارای وظیفه برای گسترش دانش خواهند بود (وئوق بنایی، ۱۳۹۶، ۵۶).

بنابراین، به استناد این مطالب یعنی مورد خطاب واقع شدن زنان و مردان، وجود امشاسپندان مؤنث و

۱- فرشته وجدان.

۲- فرشته دانایی و معرفت.

۳- به صورت مطلق.

امشاسپندان مذکر، وجود فرشتگان مذکر و فرشتگان مؤنث، بی‌جنس بودن میترا، شاگرد خطاب شدن زنان و مردان برای زرتشت، حق تحصیل برای بانوان، وجود بانوان مجتهد حقوقی، حق قضاوت برای زنان می‌توان پی به برابری حقوق زن و مرد در فرهنگ ایران باستان و بالتبع در حقوق ایران باستان برد.

۲- اختیار زنان

علاوه بر بحث برابری حقوق میان زن و مرد، مبحث دیگری که به‌عنوان مقدمه برای سه مقوله زناشوئی، طلاق و مالکیت زنان مطرح می‌باشد، مقوله اختیار زنان است. پرسش ما نیز در این پژوهش این است که آیا زنان در فرهنگ و حقوق ایران باستان علی‌الخصوص در سه مقوله یاد شده دارای اختیار هستند یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش باید به بند ششم از هات سی و پنجم رجوع کرد که در این بند چنین گفته شده است «آن‌چه را که هر مرد یا زنی دانست که درست و نیک است، بر او است که خود به کار بندد و دیگران را نیز بیاگاهند تا آن را آن‌چنان که هست، به کار بندند» (دوستخواه، ۱۴۰۲، ۲۰۰). آن‌چه که از این گفتار معلوم می‌گردد این است که تشخیص امر نیک به عهده خود مرد یا زن است و همچنین بر خود او است که آن را انجام دهد یا ندهد. بر همین اساس، باید چنین ادعا کرد که بحث از خردورزی و وجود اختیار در سرشت انسانی از متون زرتشتی قابل استنباط و استخراج است و بالتبع زنان نیز دارای اختیار هستند، همان‌گونه که در بند ششم هات سی و پنجم واژه مرد و زن با هم ذکر شده است. برای تکمیل این مطلب باید اذعان داشت که اگر در گاهان، واژه آدمی به‌صورت مطلق و عام مورد خطاب قرار گیرد، مرد و زن هر دو با یکدیگر خطاب شده‌اند (مزدآپور، ۱۳۷۱، ۱۱).

مزدآپور (۱۳۷۱) در همان موضع نیز چنین ادعا کرده است که وجدان زن آزاد است و می‌تواند بر اساس نظر و خردورزی خود امر نیک را اختیار کند. همچنین زن در گاهان گاهی به‌عنوان یک جنس از دو جنس مورد خطاب است^۴ و گاهی نیز وجدان او مورد خطاب است که در این صورت او به‌صورت مطلق انسان مورد خطاب واقع می‌شود.^۵ در دید دوم، زن موجودی صاحب اختیار است. در دید نخست نیز زن از نظر حقوقی با مرد برابر است، ولی به دلیل این که ممکن است اجتماع برای انسان قید بگذارد، فرد

۴- اجتماعی.

۵- فلسفی.

چه زن و چه مرد دارای اختیار کامل نباشند. به عبارت دیگر، قیدی که اجتماع برای انسان می‌گذارد همان ضرورت زیستن با دیگران است (مزدآپور، ۱۳۷۱، ۱۱). به همین جهت است که فارابی نیز بحث تعاون و همکاری میان مردم را عامل رسیدن به سعادت حقیقی دانسته است (فارابی، ۱۹۹۱م، ۵۳).

افزون بر این، زنان کدبانوی خانه بوده‌اند و در اداره امور داخلی خانه دارای آزادی کامل بودند و هیچ مردی نمی‌توانسته است در آن دخالت کند. زنان در ایران باستان، علاوه بر این که در زندگی خصوصی خانوادگی دارای آزادی عمل بودند در اجتماع نیز از این آزادی برخوردار بودند. (کاوس کاتراک، ۱۳۴۲، ۱۸). همان‌طور که پیش‌تر نیز بدان اشاره شد، زنان در ایران باستان دارای حق برابر با مردان در رابطه با تحصیل بودند، چنان‌که تحصیل حقوق در میان زنان یک امر متداول به حساب می‌آمده است. این مطلب خود گواه بر اختیار داشتن زنان برای انتخاب سرنوشت شغلی و تحصیلی خویش است. همچنین از آن جهت که زن موجب بقای جامعه است، بنابراین باید بیاندیشد و راه خود را انتخاب کند. به عبارت دیگر، وجدان زن آزاد است (وئوق بنایی، ۱۳۹۶، ۳۸). بر همین اساس، اصالت خرد و اصالت اختیار به‌خوبی در فرهنگ ایران باستان و آیین مزدیسنا قابل استنباط است و حقوق ایران باستان نیز به تبع این دو اصل تنظیم شده است.

مفهوم اصالت اختیار علی‌الخصوص جاری ساختن آن برای زنان در خطبه عقد پوروچیستا کوچک‌ترین دختر زرتشت نیز قابل فهم است. زرتشت در خطبه عقد برای دختر خود چنین بیان کرده است که با خرد خود مشورت کن و با خلوص نیت و پارسائی این کار نیک را انجام بده (کاوس کاتراک، ۱۳۴۲، ۲۰). همچنین در ادامه نیز نقل شده است که زرتشت از تمامی دختران و پسران خواسته است که از قانون دین پیروی کنند تا به زندگانی نیک اندیشی در هر دو جهان نائل گردند و از هر عروس و دامادی نیز خواسته است که در راه اشوئی از یکدیگر پیشی جوید. پیروی از قانون دین و فهم راه اشوئی تنها با راه تعقل و خردورزی ممکن است و همچنین انتخاب این راه نیز بر اساس اختیار است. در همین راستا نیز در بند دوم از هات سی ام یسنا چنین بیان شده است «بشنوید با گوش هوش بهترین چیزها را، بنگرید با اندیشه روشن دو راه، هریک خودتان داوری کنید، در برابر جنبش بزرگ آیینی و فکری آن را با آگاهی اعلام کنید»^۶.

بنابراین، به‌خوبی واضح است که دو امر خردگرایی و اختیارگرایی در آیین مزدیسنا و فرهنگ ایران باستان وجود داشته است و مبنای سایر اصول حقوقی و قانونی نیز قرار می‌گرفته است.

۳- زناشوئی

حال که دانسته شد دو مفهوم برابری حقوق زن و مرد و اختیار به‌عنوان مقدمات سایر ارکان حقوقی قرار دارند، باید بدانیم که آیا این دو رکن که همواره همراه با خردورزی و خردگرایی نیز هستند در انجام امور مربوط به زناشوئی نیز اعمال می‌شوند؟ و همچنین آیا این حق برابر برای زنان در زناشوئی جاری می‌گردد؟ همچنین آیا زنان در انجام پیوند زناشوئی و امور مربوط به آن دارای اختیار هستند؟ چنان که در سایر امور زنان صاحب اختیار و آزادی عمل می‌باشند.

باید چنین مدعی شد که انگاره‌ای که نسبت به زنان در ایران باستان وجود داشته چنین بوده که زن یک رکن مهم در جامعه بوده است و در حقوق اجتماعی با مرد یکسان است (بختورتاش، ۱۳۵۰، ۲۷). مسئله زناشوئی نیز به‌عنوان یک امر اجتماعی مستثنی از این قاعده نیست و بنابراین زنان و مردان در مسئله زناشوئی نیز دارای حقوقی برابر هستند. از سوی دیگر، خانواده در ایران باستان از ارج و قرب بالایی برخوردار بوده است و مرد در خانواده به‌عنوان کدخدا و زن نیز به‌عنوان کدبانو در خانواده حضور داشته است. مسئولیت زن محدود به کار خانه داری و اقتصاد خانواده نبود و وی در مباحث تربیتی، اخلاقی و آموزشی همه مردم نیز نقش مهمی را بازی می‌کرد. زن در خانه و اجتماع هم از حقوق برابر با مردان برخوردار بود و هم آزادی و اختیار داشت (بختورتاش، ۱۳۵۰، ۳۰). در نتیجه این سخن، باید گفت که اختیار زنان امری پذیرفته شده در جامعه ایرانی بوده است و در تمامی ارکان‌های اجتماعی و مسائل حقوقی نیز اختیار آن‌ها امری پذیرفته شده بوده است.

آن چیزی که از خطبه عقد زرتشت برای پوروچیستا دختر کوچک خود بر می‌آید آن است که وی قائل به اختیار دختر است و از وی خواسته است که با خرد خود مشورت نماید و همچنین از تمامی دختران و پسران چنین چیزی را درخواست کرده است (کاوس کاتراک، ۱۳۴۲، ۲۱). همچنین، با مراجعه به فصل نوزدهم کتاب «ماتیکان هزارادستان» که در رابطه با زناشوئی است در خواهیم یافت که اختیار و رضایت دختر برای ازدواج شرط نخست و اساسی است. هرچند که در بند نخست این فصل نیز بیان شده

است که رضایت ولی نیز یکی از شروط اساسی است. البته باید ادعا کرد که در صورتی که پدر دختر راضی به ازدواج نباشد، ولی دختر تمایل به ازدواج داشته باشد موبد موظف است که عقد را جاری سازد. البته این نوع ازدواج، موسوم به خودسرزنی است و پدر نیز می‌تواند دختر را از ارث محروم کند. البته در بند اول «ماتیکان هزاردادستان» این مطلب نیز ذکر شده است که برخی گفته‌اند که چنین عملی نسبت به دختر بی‌انصافی است و باید با او رفتار کرد.

با این حال، برای ازدواج پادشاهزنی که رضایت پدر دختر شرط است، رضایت خود دختر نیز شرط است. اگر در عقدی، فقط پدر راضی باشد و دختر راضی نباشد، آن عقد جاری نمی‌شود. این در حالی است که اگر در عقدی، پدر دختر راضی نباشد ولی دختر راضی باشد آن عقد با عنوان خودسرزنی جاری می‌گردد. البته باید به این مهم اشاره کرد که مقام کسی که به‌صورت خودرأی ازدواج کرده پست‌تر است (حجازی، ۱۳۸۵، ۲۲۰). در بند پنجم فصل نوزدهم نیز چنین آمده است «هر گاه بعداً معلوم شود دختری از روی اجبار یا اکراه تن به عقد سترزنی داده، نکاح منفسخ و عقد پادشاه زنی با شوهر فعلی‌اش منعقد خواهد شد». از چنین عبارتی که مربوط به عقد سترزنی است چنین بر می‌آید که این وضع برای عقد پادشاهزنی نیز برقرار است و در حقیقت در تمامی انواع عقد، رضایت دختر شرط نخست و اساسی است. همچنین در بند سوم و بند چهارم فصل نوزدهم به صراحت ذکر شده است که پدر حق ندارد دختر خود را به مجبور به ازدواج کند.^۷

در تبیین و توصیف این شواهد از خطبه عقد پوروچیستا و مفاد ماتیکان هزاردادستان باید اذعان داشت که به‌خوبی معلوم است که رضایت دختر در امر زناشویی شرط اساسی به حساب می‌آید و بنابراین وی در زناشویی دارای اختیار و حقوق برابر با مرد است. البته همان‌طور که بیان شد زن دارای حقوق برابر با مرد است و مرد نیز در زناشویی دارای اختیار است. چنان‌که در بند سوم فصل بیستم چنین اذعان شده است که حد متوسط تمتع جسمی هر سه شب یک‌بار است و زن باید در این امر مطیع مرد باشد مگر این که مانعی در کار باشد. همچنین در بند دوم فصل بیستم نیز بیان شده است که زن و شوهر باید به حد متوسط از یکدیگر تمتع جسمی برند. بنابراین، آن چیزی که در حقوق ایران باستان به‌عنوان ملاک به حساب می‌آید

۷- برای عقد پادشاه زنی و چه برای سترزنی.

این است که زناشویی امری دوطرفه است و هر دوطرف باید از یکدیگر نفع ببرند و حقوق هر دو با یکدیگر برابر است و هر دو نیز صاحب اختیار هستند.

به دیگر سخن، باید گفت که زناشویی در ایران باستان صرفاً برای رفع حاجات جنسی و جسمی نبوده است و جنبه متعالی و معنوی داشته است (وثوق‌بنایی، ۱۳۹۶، ۴۲). بنابراین، نمی‌توان امری که تا این حد برای فرهنگ ایران مهم به شمار می‌آمده باشد فقط بر رأی مردان استوار باشد و واضح است که زن نیز در زناشویی از اختیار و حقوق برابر با مرد برخوردار است چنانچه که گذشت.

در نتیجه آنچه در باب زناشویی در حقوق ایران باستان گفته شد معلوم می‌گردد که حقوق زن با مرد در امر زناشویی برابر است و خردورزی نیز به همان گونه که زرتشت خطاب به پوروچیستا گفته بود نیز در امر ازدواج جاری و ساری است. از سوی دیگر، رضایت دختر در این امر شرط نخست و اساسی است و اگر دختر در ازدواج دارای رضایت نباشد، عقد به هیچ وجه جاری نمی‌شود. در حالی که اگر دختر راضی به انجام ازدواج باشد و قیم او مخالف باشد نیز ازدواج سر می‌گیرد. پس از جاری شدن عقد و در زندگی زناشویی نیز اعتدال که حکم اساسی خرد است شرط اساسی است و این را می‌توان از توصیه دین زرتشت به انجام عمل آمیزش به صورت معتدل دریافت.

۴- طلاق

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ازدواج در ایران باستان امری متعالی و مهم به شمار می‌آمده است و به همین دلیل طلاق جزء اموری نکوهش شده بوده است و فقط در صورت وجود توجیه طلاق جاری می‌شده است (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۳، ۱۲۳). برای توضیح بیشتر باید افزود که ازدواج در مزدیسنا و سنت ایران باستان امری ابدی است که میان زن و مرد منعقد می‌شود و زن و شوهر باید با یکدیگر پیمان ببندند که در کار خود با یکدیگر شریک باشند (مزدآپور، ۱۳۷۱، ۴۵). با این حال، طلاق از جمله حقوق طبیعی مرد و زن به حساب می‌آمده است و در صورت وجود توجیه منطقی، زن و شوهر می‌توانستند از یکدیگر جدا شوند.

آن چیزی که معلوم می‌شود این است که چهار عامل باعث جاری شدن طلاق می‌شود و یا به عبارت دیگر طلاق امری نکوهش شده به حساب می‌آید مگر در این چهار حالت. «یکی آن که بستره شوهر خویش ببرد و بی‌رسمی کند و ناشایستی از او پدید آید و دوم آن که دشتان پنهان کند و شوهر نداند و سوم

آن که جادوی کند و آموزد و چهارم آن که فرزند دیگر بکند به رضا و خشنودی یکدیگر». مرد در چهار حالت می‌توانست همسر خود را طلاق دهد. حالت نخست مربوط به زنی است که به شوهر خود بی‌احترامی کرده است. بنابراین، در این حالت به‌خوبی در می‌یابیم که احترام بین همسر و شوهر در سنت ایران باستان از اهمیت خاصی برخوردار است. حالت دوم مربوط به شخصی است که دوران قاعدگی خود را از شوهر خود پنهان سازد. حالت سوم مربوط به کسی است که جادوگری آموزد. شاید مراد از جادوگری در این موضع بدفکری و اهریمن‌فکری نیز باشد. حالت چهارم نیز در صورتی است که همسر با شخص دیگری همبستر شود. این حالت کاملاً مربوط به حفظ بنیان خانواده است. زیرا زن به‌عنوان ضامن بقای خانواده، نسل و اجتماع باید عقیف باشد.

از سوی دیگر، فصل هفتم «ماتیکان هزاردادستان» به بحث طلاق اختصاص داده شده است. در بند اول از فصل هفتم به این مهم اشاره شده است که درخواست طلاق در دادگاه هم از زن و هم شوهر پذیرفته می‌گردد و همچنین دادگاه نمی‌تواند طلاق را بدون رضایت پادشاه‌زن^۸ و بدون رضایت شوهر^۹ جاری سازد. این در حالی است که چنین امری تنها در مورد چاکرزن ممکن نیست. از این بند چنین دریافت می‌شود که زن و مرد دارای حقوقی برابر برای درخواست طلاق هستند و دادگاه نیز باید به یکسان به درخواست هر طرف رسیدگی نماید. افزون بر این مطلب، هم مرد و هم زن در ارائه درخواست طلاق دارای اختیار هستند. البته باید برای قانع کردن داور دادگاه وجود یکی از آن چهار عامل جاری ساز طلاق را اثبات می‌کردند. بنابراین، به‌خوبی در می‌یابیم که حتی اگر مردی نیز به همسر خود بی‌احترامی کند و یا مشغول امور جادوگری باشد و یا عفت خود را حفظ نکند، پادشاه‌زن نیز حق درخواست طلاق دارد. با این حال، ذکر این نکته دارای اهمیت است که روی سخن «ماتیکان هزاردادستان» در رابطه با طلاق مربوط به پادشاه‌زن است و نه چاکرزن (علوی، ۱۳۷۷، ۶۰).

در نتیجه آنچه که گفته شد ماهیت طلاق در حقوق ایران باستان به‌عنوان یک حق برای مرد و زن به حساب می‌آید، ولی با این حال به‌عنوان چیزی مورد پسند واقع نشده است. البته، در صورت اثبات یکی از

۸- صورت درخواست مرد.

۹- صورت درخواست پادشاه‌زن.

آن چهار امر یاد شده برای زن و یکی از سه امر برای مرد، برای حفاظت از حقوق طرف مقابل باید طلاق جاری شود. قرینه ما بر این مدعا که همسر نیز می‌تواند به دلیل یکی از آن سه امر^{۱۰} درخواست طلاق دهد این است که در بند یازدهم از فصل دوازدهم «ماتیکان هزار دادستان» آمده است که اگر زن از شوهر خود به دلیل بدرفتاری شکایت کند، باید تا پایان دادرسی او را از تحت سلطه شوهر خارج ساخت. همچنین بحث از برابری میان زن و مرد و اختیار نیز در طلاق وجود دارد.

۵- مالکیت

مسئله اساسی دیگر این است که وضعیت مالکیت اموال زن در صورت جاری شدن ازدواج و همچنین در صورت جاری شدن طلاق به چه صورت است؟ آیا مفهوم برابری و اختیار در مالکیت زن نسبت به اموال نیز وجود دارد یا وضع فرق می‌کند؟

در بند پنجم از فصل هفتم چنین بیان شده است که «هر گاه زن و شوهری که در مال معینی شریک بوده یکدیگر را طلاق دهند، مرد نمی‌تواند بدون رضایت زن مطلقه خود آن مال را به دیگری واگذاری نماید یا انتقال دهد». هر چند که این بند در فصل مربوط به طلاق بیان شده، ولی از آن چنین در می‌یابیم که در مدت زناشویی، بحث شراکت وجود داشته است. بنابراین، زن در مال شوهرش شریک بوده است و حقوق ایران باستان چنین حقی را یعنی حق مالکیت را به زن داده است. از جهت دیگر، این حق همچنان برای زن حتی پس از طلاق نیز باقی است و وی مالک دارایی‌های خود است.

در بند ششم از فصل هفتم نیز گفته شده است که «ابقاء شرکت آنان در مال مشاع هنگامی در محکمه پذیرفته است که چنین قراردادی در میان آنان موجود باشد. دیگری گفته است که طلاق به سبب فسخ شرکت زن و شوهر در مال مشاع نبوده و شرکت آنان بعد از طلاق نیز کماکان باقی است». از بند ششم نیز در خواهیم یافت که طلاق به مالکیت زن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و زن کماکان مالک دارایی به دست آمده خود خواهد بود.

افزون بر این، بند هشتم از فصل هفتم نیز رهگشای بحث ما است. بر اساس این بند اگر شوهر، زن خود

۱۰- از عادت ماهیانه و دشتان شدن.

را طلاق دهد، مالی را که در مدت زناشویی به همسر خود بخشیده در مالکیت زن مطلقه باقی می ماند و در صورتی مالکیت زن از آن مال بخشیده شده از بین خواهد رفت که طلاق به رضایت زن جاری شده باشد. در بند نهم نیز زنان را در تصرفات مالی خود پس از طلاق آزاد و مختار دانسته اند.

در هنگام زناشویی نیز همان طور که از بند پنجم فصل هفتم «ماتیکان هزار دادستان» روشن شد، زن دارای حق مالکیت است. در بند سیزدهم از فصل پانزدهم به صورت مطلق اشاره به حق تولیت داشتن زنان بر مال شده است. همچنین زن نیز صاحب حق نفقه است و این حق در بند چهارم از فصل هفدهم و بند پنجم و بند هشتم از همان فصل نیز مستفاد می شود. از سوی دیگر، سهم ارث پادشاه زن نیز با فرزند ذکور برابر است. چنان که در بند هفدهم از فصل سی ام آمده است^{۱۱}. همچنین، زنان به عنوان پادشاه زن از حق تصرف در اموال خانواده برخوردار هستند. البته ممکن است که شوهر این حق را آن ها محروم سازد^{۱۲}. قابل ذکر است که به استناد بند چهارم، بند پنجم، بند هجدهم و بند بیست و ششم فصل سی و پنجم شوهر نمی تواند در اموال خصوصی زن تصرفاتی انجام دهد. نکته قابل توجه دیگر نیز این است که زن علاوه بر این که وظیفه بقاء نسل و تربیت اخلاقی فرزندان را دارد در تأمین معاش خانواده نیز همکاری دارد (مزداپور، ۱۳۷۱، ۲۰). به همین علت باید گفت که زن در جامعه ایران باستان در اقتصاد نیز نقش مهم و فعالی دارد، به طوری که با مرد در تأمین معاش خانواده همکار است. این مطلب در رساله «تدابیر المنازل أو سياسات الأهليه» ابن سینا نیز به چشم می خورد (ابن سینا، ۱۹۲۹م، ۳۲).

نتیجه

دانستیم که یکی از مباحث اساسی در حقوق ایران باستان بحث از زناشویی و طلاق است و در این میان مباحث مربوط به مالکیت اموال زن در حین زناشویی، نفقه او، شراکت او در مال همسر یا خانواده و همچنین وضعیت اموال وی پس از طلاق نیز پدید می آید. تبیین حقوق ایران باستان در این مسائل چنین است که زن همواره با مرد از نظر وجدان برابر است و دلیل این برابری نیز آن است که در اوستا زن و مرد به یکسان ستایش شده اند و همچنین هم زنان و هم مردان به عنوان شاگردان زرتشت به حساب آمده اند.

۱۱- سهم مال زن، دو سهم مال پسر و نیم سهم مال دختر.

۱۲- ماتیکان هزار دادستان، فصل سی و پنجم، بند سوم.

علاوه بر این که زنان و مردان در فطرت و وجدان با یکدیگر برابر هستند در حقوق نیز با یکدیگر برابر هستند. ستایش روان هر دو جنس، حضور فعال زنان و مردان در اجتماع به دلایل مختلف مانند تحصیل و همچنین حق قضاوت آنها این مطلب را بر ما ثابت می کند.

از سوی دیگر، زنان به عنوان افراد صاحب اختیار شناخته شده اند. بر این اساس، دو مقوله زناشویی و طلاق بر دو رکن برابری حقوق زن و مرد و صاحب اختیار بودن آنها استوار شده است. در بحث ازدواج، رضایت و اختیار زن شرط اساسی است و هرچند که رضایت پدر دختر نیز شرط مهمی است ولی شرطی نیست که باعث جاری شدن و یا عدم جاری شدن خطبه عقد شود. این در حالی است که عدم رضایت زن، باعث فسخ نکاح خواهد شد. در بحث طلاق نیز قضیه به همین منوال است. هرچند که طلاق در سنت مزدیسنا امری پسندیده نیست ولی در شرایطی زن و مرد حق ارائه درخواست طلاق به دادگاه دارند. در حقیقت، حقوق زن و مرد در ارائه درخواست طلاق به دادگاه مساوی است ولی در عین حال برای جاری شدن طلاق آنها باید دلایل موجهی را ارائه دهند. افزون بر این مطلب، رضایت دو طرف نیز در امر طلاق از جمله شروط اساسی جاری ساختن طلاق است.

مبحث دیگری که با این دو مقوله گره خورده است بحث از مالکیت زن در زناشویی و طلاق است. زن در دوران زناشویی حق شراکت در مال همسر و حق در دخل و تصرف مال خود را دارد، بدون این که شوهر اجازه دخل و تصرف در آن مال را داشته باشد. همچنین، حق نفقه نیز به عنوان یکی از حقوق او به شمار می آید. پس از طلاق نیز، اموال زن برای خود او بوده است و اگر طلاق با رضایت خود او انجام نشده باشد، مالی را که از شوهر خود در حین مدت زناشویی اخذ کرده برای زن به حساب می آید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۹۲۹م، **تدابیر المنازل و السياسات الأهليه**، حواشی جعفر نقدی، بغداد، انتشارات مطبعه الفلاح.
- بارتلمه، کریستیان، ۱۳۳۷، **زن در حقوق ساسانی**، ترجمه ناصرالدین صاحب زمانی، تهران، انتشارات عطائی.
- بختورتاش، نصرت الله، ۱۳۵۰، **تاریخ امپراطوری هخامنشی**، تهران، بی نا.
- بیوک زاده، صبا، ۱۳۹۱، مباحث حقوقی زن در ایران باستان (با اشاره‌هایی بر زن در شاهنامه)، **فصلنامه روانشناسی فرهنگی**، شماره ۱۲.
- حجازی، بنفشه، ۱۳۸۵، **جایگاه زن در ایران باستان**، تهران، انتشارات قصیده سرا.
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۹، **حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران**، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دوستخواه، جلیل، ۱۴۰۲، **اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان**، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات مروارید.
- دهقانی زاده، محمدرضا و علی جعفری، حسین، ۱۳۹۸، **زن، ازدواج و خانواده در دین مزدایی**، تهران، انتشارات حکمت و عرفان.
- ساسانفر، آبتین، ۱۳۹۰، **گاتاها**، تهران، انتشارات بهجت.
- سنجرى، سیده سعیده، ۱۳۹۰، نقش زن در ادبیات کهن و اسطوره‌های ایرانی، **فصلنامه روانشناسی فرهنگی زن**، شماره ۷.
- شهرزادی، رستم، ۱۳۸۶، **قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان**، چاپ دوم، تهران، انتشارات فروهر.
- علوی، هدایت الله، ۱۳۷۷، **زن در ایران باستان**، تهران، انتشارات هیرمند.
- غضنفری، کلثوم؛ بادامچی، حسین؛ داوری، پروین، ۱۳۹۵، مطالعه تطبیقی شرایط ازدواج در دین زردشتی و اسلام، **فصلنامه زن در فرهنگ و هنر**، شماره ۳.

- فارابی، ابونصر، ۱۹۹۱م، **الملله و نصوص أخرى**، تحقیق محسن مهدی، بیروت، انتشارات دارالمشرق.
- قائم مقام فراهانی، ناهیدالسادات، ۱۳۹۲، موقعیت زنان در دین زرتشتی بر اساس کتب فقهی و حقوقی،

دوفصلنامه هفت آسمان، شماره ۶۰.

- کاوس کاتراک، جمشید، ۱۳۴۲، **زناشویی در ایران باستان**، تهران، انتشارات انجمن زرتشتیان تهران.
- لطیفی، عبدالحسین، ۱۳۸۷، جایگاه زن و احکام ازدواج در دین مزدایی، **فصلنامه پژوهشنامه ادیان**، شماره ۳.

- مزداپور، کتیون، ۱۳۷۱، **زن در آئین زرتشتی**، زاربروکن، انتشارات نوید.
- وثوق بنایی، مژگان، ۱۳۹۶، **تحلیل جامعه‌شناختی حقوق زن در دوره ساسانی**، تهران، انتشارات پشیمان.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.22- Winter 2025

Analysis of Fundamental Principles Governing Demand Guarantees in International Trade Law with a Look at New Trade Bill

Homayoun Mafi, Mehdi Fallah Khariki

Dual Nationality in Iran and England

Reza Hossein Gandomkar, Hesamodin Torkaman, Shahrooz Darbandi

The Conditions for the Payment of Alimony and the Legal and Criminal Guarantees for Non-Payment of Alimony in France and Turkey

Arash Kamranlou, Sobhan Tayebi

Government Civil Liability due to the Delay of Proceedings

Abolfath Khaleghi, Fatemeh Khodabandeh

Legal Analysis of the Cooling Off Period Clause in Foreign Investment Treaties

Mojtaba Asgharian, Mohadeseh Ahmadabadi, Mohammadreza Afshari

The Role of the Judiciary in Linking Judicial Security and Economic Security

Mahmoud Habibi Tabar, Amir Esmaeili

The Principle of Non-Cut Off; The Fundamental Principle in the Delimitation of Maritime Zones

Mohsen Behjati

An Essay on Contemporary Utilitarianism Justifications of Punishment; from General Deterrence to General Prevention

Mohammad Mehdi Sadeghi

Enforcement of the Deceased's Obligations in Iranian and French Law

Younes Bagheri

Women's Free Will Regarding Marriage and Divorce in Ancient Iranian Law

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

A Critical Examination of the Additional Jurisdiction of Special Criminal Courts in the Face of Criminal Cooperation

Sayyed Mohammad Khezry

Unfair Terms in Consumer Contracts Regulations 1999 in England

Amir Mohammad Mahrokh

An Analysis of the Position of the Permission of the Leadership Regarding the Development of the Jurisdiction of the

Judicial Organization of the Armed Forces in Iran's Legal System

Mohammad Khorshidi Athar

Causes of the Emergence of Pragmatism in the Criminal Policy of Economic Crimes

Rostam Aliakbari, Arezo Cheraghi, Arsalan Moradi

The Right of the Child to Leave the Country by the Mother is a Challenge in Iran's Judicial Procedure (with Emphasis on the Decree Issued by the 11th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saeid Hosseini, Shayesteh Salehi, Nahid Ghasemi, Mohsen Mahdizadeh

Civil Liability of Pilgrimage Tours against Damages Caused to Pilgrims

Alireza Shamshiri, Parisa Rezvan

Crimes Committed Against Cultural Heritage in Iranian and United States Law

Vahid Kiomarsi, Masoud Mostafapoor

Jurisprudential Analysis of the Responsibility of Fire Officers in the Legal System of Iran and England

Majid Kiani Rad

Challenging Paths to the Future of Artificial Intelligence Law

Behrokh Ganji, Mohammad Gharibshah

Effects of Option Sale in Iranian and French Law

Ardeshir Amjadi Golpaygani

Measures to Prevent Financial Corruption in the Iranian Banking System: Pathology and Improvement Strategies in Two Proactive and Reactive Areas

Sayyed Bahman Akbari

Necessities of the Contract in Iran's E-commerce Laws

Mohsen Fallah, Khatereh Derogar Lichahi

An Analysis of Strict and Lenient Incarceration Policy in the Criminal Law of the Armed Forces

Yasser Shakeri

Human Rights, Pragmatism and the Limits of Moral Theory: A Review of Human Rights as Politics and Idolatry

Soheil Golchin

inprotected.com